

# سوره انبياء

شماره: ۲۱  
محل نزول: مکه

جزء: ۱۷  
ترتیب نزول: ۷۳

تعداد آیه: ۱۱۲

ahlolbait.com

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش  
همیشگی.

اقْتَرَبَ لِلنَّاسِ حِسَابُهُمْ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ مُّعْرِضُونَ

مردم را [هنگام] حسابرسی [آنچه در مدت عمرشان انجام داده اند] نزدیک شده در حالی که آنان با [فرو افتادن] در غفلت [از دلائل اثبات کننده معاد] روی گردانند. (۱)

مَا يَأْتِيهِمْ مِنْ ذِكْرٍ مِنْ رَبِّهِمْ مُحَدَّثٍ إِلَّا اسْتَمَعُوهُ وَهُمْ  
يَلْعَبُونَ

هیچ یادآوری و پند تازه ای از سوی پروردگارشان برای آنان نمی  
آید مگر آنکه آن را می شنوند و در حالی که سرگرم بازی هستند  
[آن را مسخره می کنند.] (۲)

لَا هِيَ قُلُوبُهُمْ<sup>ق</sup> وَأَسْرُوا النَّجْوَى الَّذِينَ ظَلَمُوا هَلْ هَذَا إِلَّا  
بَشَرٌ مِثْلُكُمْ<sup>ط</sup> أَفَتَأْتُونَ السَّحَرَ وَأَنْتُمْ تَبْصِرُونَ

دل هایشان [به امور مادی، خوشگذرانی و معصیت] مشغول است؛ و آنان که ستم پیشه  
اند رازگویی خود را پنهان داشتند [و گفتند:] آیا این پیامبر جز این است که بشری مانند  
شماست؟ آیا شما با چشم باز و شناخت و آگاهی به سوی سحر می روید؟! (۳)

قَالَ رَبِّي يَعْلَمُ الْقَوْلَ فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ السَّمِيعُ  
الْعَلِيمُ

[پیامبر به آنان] گفت: [رازگویی خود را پنهان نکنید، زیرا]  
پروردگرم هر سخنی را در آسمان و زمین می داند، و او شنوا و  
دانا است. (۴)

بَلْ قَالُوا أَضْغَاثُ أَحْلَامٍ بَلِ افْتَرَاهُ بَلْ هُوَ شَاعِرٌ فَلْيَأْتِنَا  
بِآيَةٍ كَمَا أُرْسِلَ الْأَوَّلُونَ

[مشرکان] گفتند: [نه، قرآن سحر نیست] بلکه خواب هایی آشفته و پریشان است، [نه] بلکه آن را به دروغ بر بافته، [نه] بلکه او شاعر [خیال پردازی] است، [اگر فرستاده خداست] باید برای ما معجزه ای بیاورد مانند معجزه هایی که پیامبران گذشته را [با آنها] فرستادند. (۵)

مَا آمَنَتْ قَبْلَهُمْ مِنْ قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا أَفَهُمْ يُؤْمِنُونَ

پیش از آنان [اهل] هیچ شهری که آن را نابود کردیم [با دیدن  
معجزه] ایمان نیاوردند؛ پس آیا اینان ایمان می آورند؟! (۶)



وَمَا أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ إِلَّا رِجَالًا نُوْحِي إِلَيْهِمْ ۖ فَاسْأَلُوا أَهْلَ  
الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ

و پیش از تو [برای هدایت مردم] نفرستادیم مگر مردانی را که به آنان وحی می نمودیم. اگر نمی دانید از دانایان [به کتاب های آسمانی و آگاهان به اخبار پیشینیان] بپرسید [که همه پیامبران از جنس خود بشر بودند، نه فرشته] (۷)

وَمَا جَعَلْنَاهُمْ جَسَدًا لَا يَأْكُلُونَ الطَّعَامَ وَمَا كَانُوا خَالِدِينَ

و آنان را جسدهایی که غذا نخورند قرار ندادیم، و جاویدان

هم نبودند [که از دنیا نروند]. (۸)

ثُمَّ صَدَقْنَاهُمُ الْوَعْدَ فَأَنْجَيْنَاهُمْ وَمَنْ نَشَاءُ وَأَهْلَكْنَا  
الْمُسْرِفِينَ

سپس به وعده ای که به آنان داده بودیم [که شکست برای دشمنان لجوج و پیروزی برای آنان است] وفا کردیم، و آنان و هر که را می خواستیم، نجات دادیم و متجاوزان [از حدود حق] را هلاک کردیم. (۹)

لَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ كِتَابًا فِيهِ ذِكْرُكُمْ أَفَلَا تَعْقِلُونَ

بی تردید کتابی به سوی شما نازل کردیم که مایه [شرف،  
بزرگواری، رشد و سعادت] شما در آن است؛ آیا نمی اندیشید.

(۱۰)

وَکَمْ قَصَمْنَا مِنْ قَرْیَةٍ کَانَتْ ظَالِمَةً وَأَنْشَأْنَا بَعْدَهَا قَوْمًا  
آخِرِينَ

و چه بسیار از شهرهایی که [اهلش] ستمکار بودند، درهم  
شکستیم، و پس از آنان قومی دیگر پدید آوردیم. (۱۱)

فَلَمَّا أَحَسُّوا بَأْسَنَا إِذَا هُمْ مِنْهَا يَرْكُضُونَ

پس هنگامی که عذاب ما را احساس کردند، ناگهان از آن

می گریختند. (۱۲)

لَا تَرْكُضُوا وَارْجِعُوا إِلَىٰ مَا أُتْرِفْتُمْ فِيهِ وَمَسَاكِينِكُمْ  
لَعَلَّكُمْ تُسْأَلُونَ

[از روی استهزا و تحقیر به آنان گفتند:] فرار نکنید، و به سوی زندگی مرفّهی که در آن نازپرورده [و مغرور] بودید و خانه هایتان بازگردید تا [بار دیگر به وسیله تهیدستان و مستمندان] از شما درخواست کمک شود [و شما آنان را با کبر و نخوت برانید.] [۱۳]

قَالُوا يَا وَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ

[با دیدن عذاب فریاد برداشتند و] گفتند: ای وای بر ما که ما

قطعاً ستمکار بودیم! (۱۴)



فَمَا زَالَتْ تِلْكَ دَعْوَاهُمْ حَتَّىٰ جَعَلْنَاهُمْ حَصِيدًا خَامِدِينَ

پس همواره سخنشان همین بود تا آنکه آنان را ریشه کن و

خاموش ساختیم. (۱۵)

وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لَاعِبِينَ

و ما آسمان و زمین و آنچه را میان آن دو قرار دارد به بازی

نیافریده ایم. (۱۶)

لَوْ أَرَدْنَا أَنْ نَتَّخِذَ لَهُمْ لَهْوًا لَاتَّخَذْنَاهُ مِنْ لَدُنَّا إِنْ كُنَّا فَاعِلِينَ

اگر می خواستیم بازیچه و سرگرمی انتخاب کنیم، چنان چه، [بر فرض  
 محال] کننده [این کار] بودیم، آن را از نزد ذاتِ خود [برابر با شأنمان] انتخاب  
 می کردیم [نه از آسمان و زمین که مملوکِ ما هستند]. [۱۷]

بَلْ نَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ  
وَلَكُمْ الْوَيْلُ مِمَّا تَصِفُونَ

نه، بلکه [شان ما این است که] با حق بر باطل می کوبیم تا آن را درهم  
شکند [و از هم بپاشد] پس ناگهان باطل نابود شود؛ و وای بر شما از  
آنچه [درباره خدا و مخلوقات او به ناحق] توصیف می کنید. (۱۸)

وَلَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَنْ عِنْدَهُ لَا  
يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ وَلَا يَسْتَحْسِرُونَ

و هر که در آسمان ها و زمین است، فقط در سیطره مالکیت و فرمانروایی اوست، و کسانی که [از فرشتگان] در محضر اویند از بندگیش تکبر نمی ورزند و خسته و درمانده نمی شوند. (۱۹)

يُسَبِّحُونَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لَا يَفْتُرُونَ

شبانہ روز او را بی آنکہ سست شوند، تسبیح می گویند.

(۲۰)

أَمْ اتَّخَذُوا آلِهَةً مِنَ الْأَرْضِ هُمْ يُنْشِرُونَ

آیا معبودانی از زمین اختیار کرده اند که آنان مردگان را زنده

می کنند؟! (۲۱)

لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا ۚ فَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ  
الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ

اگر در آسمان و زمین معبودانی جز خدا بود بی تردید آن دو تباه  
می شد؛ پس منزّه است خدای صاحب عرش از آنچه [اورا به  
ناحق به آن] وصف می کنند. (۲۲)



لَا يُسْأَلُ عَمَّا يَفْعَلُ وَهُمْ يُسْأَلُونَ

خدا از آنچه انجام می دهد، بازخواست نمی شود و آنان [در

برابر خدا] بازخواست خواهند شد. (۲۳)

أَمْ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ آلِهَةً ۖ قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ ۖ هَذَا ذِكْرُ  
 مَنْ مَعِيَ وَذِكْرُ مَنْ قَبْلِي ۚ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ الْحَقَّ ۖ  
 فَهُمْ مُعْرِضُونَ

[شگفتا!] آیا به جای خدا معبودانی اختیار کرده اند؟ بگو: [اگر انتخاب شما حق است] دلیل و برهانتان را [بر آن] بیاورید، این [قرآن] یادآور امت من [نسبت به توحید و نفی شرک] و یادآور امت های پیش از من [نسبت به معارف توحیدی دیگر کتاب های آسمانی] است؛ [حق نه این است که مشرکان می گویند] بلکه بیشترشان حق را نمی شناسند و به این سبب از آن روی گردانند. (۲۴)

وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا نُوحِي إِلَيْهِ أَنَّهُ لَا  
إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدُونِ

و پیش از تو هیچ پیامبری نفرستادیم مگر آنکه به او وحی کردیم

که معبودی جز من نیست، پس تنها مرا پرستید. (۲۵)

وَقَالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمَنُ وَلَدًا ۗ لَقَدْ سُبْحَانَهُ ۗ بَلْ عِبَادٌ مُّكْرَمُونَ

و [مشرکان] گفتند: [خدای] رحمان فرشتگان را فرزند خود گرفته است. منزّه است او، [فرشتگان، فرزند خدا نیستند] بلکه بندگانی گرامی و ارجمندند. (۲۶)

لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ

در گفتار بر او پیشی نمی گیرند، و آنان فقط به فرمان او عمل

می کنند. (۲۷)

يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنْ  
ارْتَضَىٰ وَهُمْ مِنْ خَشْيَتِهِ مُشْفِقُونَ

خدا همه گذشته آنان و آینده شان را می داند، و جز برای کسی که  
خدا بپسندد شفاعت نمی کند، و آنان از ترس [عظمت و جلال]  
او هراسان و بیمناکند. (۲۸)

وَمَنْ يَقُلْ مِنْهُمْ إِنِّي إِلَهٌ مِنْ دُونِهِ فَذَلِكَ نَجْزِيهِ جَهَنَّمَ  
كَذَلِكَ نَجْزِي الظَّالِمِينَ

و هر کس از آنان بگوید: من هم معبودی، غیر از اویم، دوزخ را  
به آن گوینده کیفر می دهیم، و ستمکاران را این گونه مجازات  
می کنیم. (۲۹)

أَوَلَمْ يَرَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا  
فَفَتَقْنَاهُمَا<sup>ط</sup> وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ<sup>ط</sup> أَفَلَا يُؤْمِنُونَ

آیا کافران ندانسته اند که آسمان ها و زمین به هم بسته و پیوسته  
بودند و ما آن دو را شکافته و از هم باز کردیم و هر چیز زنده ای را  
از آب آفریدیم؟ پس آیا ایمان نمی آورند؟ (۳۰)



وَجَعَلْنَا فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيَ أَنْ تَمِيدَ بِهِمْ وَجَعَلْنَا فِيهَا  
فِجَاجًا سُبُلًا لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ

و در زمین کوه های استوار پدید آوردیم تا زمین آنان را نلرزاند، و  
در آن راه هایی فراخ و گشاده قرار دادیم تا [به سوی اهداف خود]  
راه یابند. (۳۱)

وَجَعَلْنَا السَّمَاءَ سَقْفًا مَحْفُوظًا ۖ وَهُمْ عَنْ آيَاتِهَا مُعْرِضُونَ

و آسمان را سقفی محفوظ قرار دادیم در حالی که آنان [از تأمل و

دقت در] نشانه های آن [که گواه توحید، ربوبیت و قدرت

خداست] روی گردانند. (۳۲)

وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ <sup>ط</sup>كُلٌّ فِي  
فَلَكَ يَسْبَحُونَ

و اوست که شب و روز و خورشید و ماه را آفرید که هر یک  
در مداری شناور است. (۳۳)

وَمَا جَعَلْنَا لِبَشَرٍ مِنْ قَبْلِكَ الْخُذَّطَ أَفَانٍ مِتَّ فَهُمْ الْخَالِدُونَ

و پیش از تو برای هیچ بشری جاودانگی قرار ندادیم؛ پس آیا

اگر تو بمیری آنان جاویدان خواهند ماند؟! (۳۴)

كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ ۖ وَنَبَلُوكُم بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً ۖ  
وَإِلَيْنَا تُرْجَعُونَ

هر کسی چشمنده مرگ است و ما شما را [چنانکه سزاوار است] به  
نوعی خیر و شر [که تهیدستی، ثروت، سلامت، بیماری، امنیت و  
بلاست] آزمایش می کنیم، و به سوی ما بازگردانده می شوید. (۳۵)

وَإِذَا رَأَى الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّ يَتَّخِذُونَكَ إِلَّا هُزُؤًا أَهْذَا الَّذِي  
يَذُكُرُ آلِهَتَكُمْ وَهُمْ بِذِكْرِ الرَّحْمَنِ هُمْ كَافِرُونَ

کافران چون تو را ببینند جز به مسخره ات نمی گیرند [و می گویند: آیا این است آن  
کسی که معبودان شما را [به موجوداتی بی اثر و بی اختیار] یاد می کند؟ در حالی که  
خود به ذکر [خدای] رحمان [که توحید و قرآن است] کافرنند [و از این کار، باکی  
ندارند.] (۳۶)

خُلِقَ الْإِنْسَانُ مِنْ عَجَلٍ ۗ سَأُرِيكُمْ آيَاتِي فَلَا تَسْتَعْجِلُونِ

انسان از شتاب و عجله آفریده شده است [که با نخوت و غرور، عذابم را به شتاب می خواهد]؛ به زودی عذاب هایم را به شما نشان خواهم داد، پس [آن را] به شتاب از من نخواهید. (۳۷)

وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَٰذَا الْوَعْدُ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ

[به پیامبر و مؤمنان] می گویند: اگر راست می گوید، این

وعده کی خواهد بود؟ (۳۸)



لَوْ يَعْلَمُ الَّذِينَ كَفَرُوا حِينَ لَا يَكْفُونَ عَنْ وُجُوهِهِمُ النَّارَ  
وَلَا عَنْ ظُهُورِهِمْ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ

اگر کافران به آن وقتی که نمی توانند آتش را از چهره ها و پشتشان  
باز دارند و یاری هم نمی شوند، آگاهی داشتند [عجولانه عذاب  
را نمی خواستند.] (۳۹)

بَلْ تَأْتِيهِمْ بَغْتَةً فَتَبْهَتُهُمْ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ رَدَّهَا وَلَا هُمْ  
يُنظَرُونَ

بلکه ناگهان به آنان می رسد، پس چنان مبهوتشان می کند که نه  
قدرت دارند آن را بازگردانند، و نه [برای به تأخیر افتادنش] مهلت  
می یابند. (۴۰)

وَلَقَدْ اسْتَهْزَيْ بِرُسُلٍ مِنْ قَبْلِكَ فَحَاقَ بِالَّذِينَ سَخِرُوا  
مِنْهُمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ

و به راستی پیش از تو پیامبرانی مورد استهزا قرار گرفتند، پس  
عذابی را که همواره مسخره می کردند، استهزا کنندگان را فرا

گرفت. (۴۱)

قُلْ مَنْ يَكْلَأُكُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ مِنَ الرَّحْمَنِ قَلِيلٌ هُمْ عَنْ  
ذِكْرِ رَبِّهِمْ مُعْرِضُونَ

بگو: چه کسی شما را در شب و روز از [عذاب خدای] رحمان  
محافظت می کند؟ بلکه [حقیقت این است که] آنان از یاد  
پروردگارشان روی گردانند. (۴۲)

أَمْ لَهُمْ آلِهَةٌ تَمْنَعُهُمْ مِنْ دُونِنَا لَا يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَ  
أَنْفُسِهِمْ وَلَا هُمْ مِنَّا يُصْحَبُونَ

آیا برای آنان به جای ما معبودانی هست که آنان را [از عذاب ما]  
باز دارند در حالی که [آن معبودان] نمی توانند خود را یاری دهند  
و از سوی ما هم پناه داده نمی شوند؟ (۴۳)

بَلْ مَتَّعْنَا هَؤُلَاءِ وَآبَاءَهُمْ حَتَّىٰ طَالَ عَلَيْهِمُ الْعُمُرُ ۚ أَفَلَا  
 يَرَوْنَ أَنَّا نَأْتِي الْأَرْضَ نَنْقُصُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا ۗ أَفَهُمُ  
 الْغَالِبُونَ

بلکه اینان و پدرانشان را [از انواع نعمت ها] بهره مند ساختیم تا جایی که عمرشان طولانی شد [و گمان کردند که نعمت ها و عمرشان پایان نمی پذیرد]. آیا ندانسته اند که ما همواره به زمین می پردازیم و از اطراف [و جوانب] آن [که ملت ها، اقوام، تمدن ها و دانشمندانش هستند] می کاهیم؟ پس آیا باز هم آنان پیروزند؟ (۴۴)

قُلْ إِنَّمَا أُنذِرُكُمْ بِالْوَحْيِ ۚ وَلَا يَسْمَعُ الصَّمَّ الدُّعَاءَ إِذَا مَا  
يُنذِرُونَ

بگو: من فقط شما را به وسیله وحی بیم می دهم، ولی کران،  
بانگ دعوت را هنگامی که بیمشان دهند، نمی شنوند. (۴۵)

وَلَئِنْ مَسَّتْهُمُ نَفْحَةٌ مِنْ عَذَابِ رَبِّكَ لَيَقُولُنَّ يَا وَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا  
ظَالِمِينَ

و اگر اندکی از عذاب پروردگارت به آنان برسد، خواهند

گفت: ای وای بر ما که قطعاً ستمکار بودیم! (۴۶)



وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ  
 شَيْئًا وَإِنْ كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا وَكَفَىٰ  
 بِنَا حَاسِبِينَ

و ترازوهای عدالت را در روز قیامت می نهیم و به هیچ کس هیچ ستمی نمی  
 شود؛ و اگر [عمل خوب یا بد] هم وزن دانه خردلی باشد آن را [برای وزن  
 کردن] می آوریم، و کافی است که ما حسابگر باشیم. (۴۷)

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَىٰ وَهَارُونَ الْفُرْقَانَ وَضِيَاءً وَذِكْرًا  
لِّلْمُتَّقِينَ

یقیناً به موسی و هارون [کتابی که] جداکننده [حق از باطل] و نور  
و مایه یادآوری برای پرهیزکاران [است] عطا کردیم. (۴۸)

الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ وَهُمْ مِنَ السَّاعَةِ مُشْفِقُونَ

همانان که در پنهانی از پروردگارشان می ترسند و از قیامت

هم بیمناکند. (۴۹)

وَهَذَا ذِكْرٌ مُّبَارَكٌ أَنْزَلْنَاهُ أَفَأَنْتُمْ لَهُ مُنْكَرُونَ

و این [قرآنی] که آن را نازل کرده ایم، ذکر و پندی پر منفعت

است؛ آیا باز هم شما منکر آن هستید؟ (۵۰)

وَلَقَدْ آتَيْنَا إِبْرَاهِيمَ رُشْدَهُ مِنْ قَبْلُ وَكُنَّا بِهِ عَالِمِينَ

و مسلماً پیش از این به ابراهیم، رشد و هدایتی [که  
سزاوارش بود] عطا کردیم؛ و ما به او دانا بودیم. (۵۱)

إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَا هَذِهِ التَّمَاثِيلُ الَّتِي أَنْتُمْ لَهَا  
عَاكِفُونَ

[یاد کن] زمانی را که به پدرش و قومش گفت: این مجسمه  
هایی که شما ملازم پرستش آنها شده اید، چیست؟ (۵۲)

قَالُوا وَجَدْنَا آبَاءَنَا لَهَا عَابِدِينَ

گفتند: پدرانمان را پرستش کنندگان آنها یافتیم [لذا به پیروی

از پدرانمان آنها را می پرستیم!!] (۵۳)

قَالَ لَقَدْ كُنْتُمْ أَنْتُمْ وَآبَاؤُكُمْ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ

گفت: به یقین شما و پدرانتان در گمراهی آشکاری هستید.

(۵۴)



قَالُوا أَجِئْتَنَا بِالْحَقِّ أَمْ أَنْتَ مِنَ اللَّاعِبِينَ

گفتند: آیا حق را برای ما آورده ای یا شوخی می کنی؟! (۵۵)

قَالَ بَلْ رَبُّكُمْ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ الَّذِي فَطَرَهُنَّ  
وَأَنَا عَلَىٰ ذَلِكُمْ مِنَ الشَّاهِدِينَ

گفت: [شوخی نمی کنم] بلکه پروردگارتان همان پروردگار  
آسمان ها و زمین است، همان که آنها را آفرید و من بر این  
[حقیقت] از گواهی دهندگانم. (۵۶)

وَتَاللَّهِ لَأَكِيدَنَّ أَصْنَامَكُمْ بَعْدَ أَنْ تُوَلُّوا مُدْبِرِينَ

سوگند به خدا پس از آنکه [به بتخانه] پشت کردید و رفتید،

درباره بت هایتان تدبیری خواهم کرد. (۵۷)

فَجَعَلَهُمْ جُذَاذًا إِلَّا كَبِيرًا لَهُمْ لَعَلَّهُمْ إِلَيْهِ يَرْجِعُونَ

پس [همه] بت ها را قطعه قطعه کرد و شکست مگر بت بزرگشان

را که [برای درک ناتوانی بت ها] به آن مراجعه کنند. (۵۸)

قَالُوا مَنْ فَعَلَ هَذَا بِآلِهَتِنَا إِنَّهُ لَمِنَ الظَّالِمِينَ

[چون به بتخانه آمدند، با شگفتی] گفتند: چه کسی این کار را با  
معبودانمان انجام داده است؟ به یقین او از ستمکاران است. (۵۹)

قَالُوا سَمِعْنَا فَتَىٰ يَذُكُرُهُمْ يُقَالُ لَهُ إِبْرَاهِيمُ

گفتند: از جوانی شنیدیم که از بتان ما [به عنوان عناصری بی اثر و

بی اختیار] یاد می کرد که به او ابراهیم می گویند. (۶۰)

قَالُوا فَاتُوا بِهِ عَلَىٰ أَعْيُنِ النَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَشْهَدُونَ

گفتند: پس او را در برابر دیدگان مردم بیاورید تا آنان [به این

کار او] شهادت دهند. (۶۱)

قَالُوا أَنْتَ فَعَلْتَ هَذَا بِالْهَتْنَا يَا إِبْرَاهِيمُ

گفتند: ای ابراهیم! آیا تو با معبودان ما چنین کرده ای؟ (۶۲)



قَالَ بَلْ فَعَلَهُ كَبِيرُهُمْ هَذَا فَاسْأَلُوهُمْ إِنْ كَانُوا يَنْطِقُونَ

گفت: بلکه [سالم ماندن بزرگشان نشان می دهد که] بزرگشان  
این کار را انجام داده است؛ پس اگر سخن می گویند، از خودشان  
پرسید. (۶۳)

فَرَجَعُوا إِلَىٰ أَنفُسِهِمْ فَقَالُوا إِنَّكُمْ أَنْتُمُ الظَّالِمُونَ

پس آنان [با تفکر و تأمل] به خود آمدند و گفتند: شما خودتان [با

پرستیدن این موجودات بی اثر و بی اختیار] ستمکارید [نه

ابراهیم]. (۶۴)

ثُمَّ نَكِسُوا عَلَيَّ رُءُوسِهِمْ لَقَدْ عَلِمْتَ مَا هَؤُلَاءِ يَنْطِقُونَ

آن گاه سرافکنده و شرمسار شدند [ولی از روی ستیزه جویی به ابراهیم گفتند:] مسلماً تو می دانی که اینان سخن نمی گویند.

(۶۵)

قَالَ أَفَتَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُكُمْ شَيْئًا وَلَا  
يَضُرُّكُمْ

گفت: [با توجه به این حقیقت] آیا به جای خدا چیزهایی را می  
پرستید که هیچ سود و زیانی به شما نمی رسانند؟! (۶۶)

أَفْ لَكُمْ وَلِمَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ

أف بر شما و بر آنچه به جای خدا می پرستید؛ پس آیا نمی

اندیشید؟ (۶۷)

قَالُوا حَرِّقُوهُ وَانصُرُوا آلِهَتَكُمْ إِن كُنْتُمْ فَاعِلِينَ

گفتند: اگر می خواهید کاری انجام دهید [و مرد کار هستید]

او را بسوزانید، و معبودانتان را یاری دهید. (۶۸)

قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ

[پس او را در آتش افکندند] گفتیم: ای آتش! برابر ابراهیم

سرد و بی آسیب باش! (۶۹)

وَأَرَادُوا بِهِ كَيْدًا فَجَعَلْنَاهُمُ الْأَخْسَرِينَ

و بر ضد او نیرنگی سنگین به کار گرفتند [که نابودش کنند]

پس آنان را زیانکارترین [مردم] قرار دادیم. (۷۰)



وَنَجِّينَاهُ وَلُوطًا إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا لِلْعَالَمِينَ

و او و لوط را [از آن سرزمین پر از شرک و فساد] نجات داده و به  
سوی سرزمینی که در آن برای جهانیان برکت نهاده ایم، بردیم.

(۷۱)

وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ نَافِلَةً ۗ وَكُلًّا جَعَلْنَا صَالِحِينَ

و اسحاق و یعقوب را به عنوان عطایی افزون، به او بخشیدیم

و همه را افرادی شایسته قرار دادیم. (۷۲)

وَجَعَلْنَاهُمْ أئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ  
الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَكَانُوا لَنَا عَابِدِينَ

و آنان را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما [مردم را] هدایت می  
کردند، و انجام دادن کارهای نیک و برپا داشتن نماز و پرداخت زکات  
را به آنان وحی کردیم، و آنان فقط پرستش کنندگان ما بودند. (۷۳)

وَلُوطًا آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ  
تَعْمَلُ الْخَبَائِثَ <sup>قُل</sup> إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمَ سَوْءٍ فَاسِقِينَ

و به لوط، حکمت و دانش دادیم و او را از آن شهری که [اهلش]  
کارهای زشت مرتکب می شدند، نجات دادیم؛ بی تردید آنان  
قومی بد و نافرمان بودند. (۷۴)

وَأَدْخَلْنَاهُ فِي رَحْمَتِنَا إِنَّهُ مِنَ الصَّالِحِينَ

و او را در رحمت خود درآوردیم؛ چون او از شایستگان بود.

(۷۵)

وَنُوحًا إِذْ نَادَىٰ مِنْ قَبْلُ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ فَنَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ مِنَ  
الْكَرْبِ الْعَظِيمِ

و نوح را [یاد کن] هنگامی که پیش از این [پیامبران یاد شده] ندا کرد:  
[پروردگارا! مرا از این قوم فاسد و تبه‌کار نجات بخش]. پس ندایش را  
اجابت کردیم، و او و خانواده اش را از آن اندوه بزرگ نجات دادیم. (۷۶)

وَنَصَرْنَا مِنْ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمَ  
سَوْءٍ فَأَغْرَقْنَاهُمْ أَجْمَعِينَ

و او را در برابر گروهی که آیات ما را تکذیب کردند، یاری دادیم؛  
قطعا آنان گروه بدی بودند، پس همه آنان را غرق کردیم. (۷۷)

وَدَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ إِذْ يَحْكُمَانِ فِي الْحَرْثِ إِذْ نَفَسَتْ فِيهِ  
غَنَمُ الْقَوْمِ وَكُنَّا لِحُكْمِهِمْ شَاهِدِينَ

و داود و سلیمان را [یاد کن] زمانی که درباره آن کشتزار که شبانه  
گوسفندان قوم در آن چریده بودند، داوری می کردند، و ما گواه  
داوری آنان بودیم. (۷۸)



فَفَهَّمْنَاهَا سُلَيْمَانَ ۚ وَكُلًّا آتَيْنَا حُكْمًا وَعِلْمًا ۚ وَسَخَّرْنَا مَعَ  
 دَاوُدَ الْجِبَالَ يُسَبِّحْنَ وَالطَّيْرَ ۚ وَكُنَّا فَاعِلِينَ

پس [داوری] آن را به سلیمان فهماندیم، و هر یک را حکمت و دانش  
 عطا کردیم، و کوه ها و پرندگان را رام و مسخر کردیم که همواره با داود  
 تسبیح می گفتند، و ما انجام دهنده [این کار] بودیم. (۷۹)

وَعَلَّمَنَاهُ صَنْعَةَ لَبُوسٍ لَّكُمْ لِيُحْصِنَكُمْ مِنْ بَأْسِكُمْ ۖ فَهَلْ  
 أَنْتُمْ شَاكِرُونَ

و به سود شما صنعتِ ساختنِ پوشش های دفاعی را به او آموختیم  
 تا شما را از [آسیب] جنگ تان محافظت نماید، پس آیا شما  
 شکرگزار حق هستید؟ (۸۰)

وَلِسُلَيْمَانَ الرِّيحَ عَاصِفَةً تَجْرِي بِأَمْرِهِ إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي  
بَارَكْنَا فِيهَا ۚ وَكُنَّا بِكُلِّ شَيْءٍ عَالِمِينَ

و برای سلیمان، تندباد را رام و مسخر کردیم که به فرمانش به  
سوی آن سرزمینی که در آن برکت نهادیم، حرکت می کرد و ما  
همواره به همه چیز داناییم. (۸۱)

وَمِنَ الشَّيَاطِينِ مَنْ يَغُوصُونَ لَهُ وَيَعْمَلُونَ عَمَلًا دُونَ  
ذَلِكَ ۖ وَكُنَّا لَهُمْ حَافِظِينَ

و از شیطان ها کسانی را رام و مسخر او کردیم که برایش غواصی  
و کارهایی غیر از آن انجام می دادند، و ما نگهبان آنان بودیم.

(۸۲)

وَأَيُّوبَ إِذْ نَادَىٰ رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الضُّرُّ وَأَنْتَ أَرْحَمُ  
الرَّاحِمِينَ

و ایوب را [یاد کن] هنگامی که پروردگارش را ندا داد که مرا  
آسیب و سختی رسیده و تو مهربان ترین مهربانانی. (۸۳)

فَاسْتَجَبْنَا لَهُ فَكَشَفْنَا مَا بِهِ مِنْ ضُرٍّ ۖ وَآتَيْنَاهُ أَهْلَهُ وَمِثْلَهُمْ  
مَعَهُمْ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِنَا وَذِكْرًا لِلْعَابِدِينَ

پس ندایش را اجابت کردیم و آنچه از آسیب و سختی به او بود برطرف نمودیم، و خانواده اش را [که در حادثه ها از دستش رفته بودند] و مانندشان را همراه با آنان به او عطا کردیم که رحمتی از سوی ما و مایه پند و تذکری برای عبادت کنندگان بود. (۸۴)

وَإِسْمَاعِيلَ وَإِدْرِيسَ وَذَا الْكِفْلِ <sup>صَلَّى</sup> كُلٌّ مِنَ الصَّابِرِينَ

و اسماعیل و ادريس و ذوالکفل را [یاد کن] که همه از

شکیبایان بودند. (۸۵)

وَأَدْخَلْنَاهُمْ فِي رَحْمَتِنَا إِنَّهُمْ مِنَ الصَّالِحِينَ

و آنان را در رحمت خود درآوردیم، چون از شایستگان

بودند. (۸۶)



وَذَا النُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ  
 فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ  
 مِنَ الظَّالِمِينَ

و صاحب ماهی [حضرت یونس] را [یاد کن] زمانی که خشمناک [از میان قومش] رفت و گمان کرد که ما [زندگی را] بر او تنگ نخواهیم گرفت، پس در تاریکی ها [ی شب، زیر آب، و دل ماهی] ندا داد که معبودی جز تو نیست تو از هر عیب و نقصی منزهی، همانا من از ستمکارانم. (۸۷)

فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَكَذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ

پس ندایش را اجابت کردیم و از اندوه نجاتش دادیم؛ و این

گونه مؤمنان را نجات می دهیم. (۸۸)

وَزَكَرِيَّا إِذْ نَادَىٰ رَبَّهُ رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ  
الْوَارِثِينَ

و زکریا را [یاد کن] زمانی که پروردگارش را ندا داد: پروردگارا! مرا  
تنها [و بی فرزند] مگذار؛ و تو بهترین وارثانی. (۸۹)

فَاسْتَجِبْنَا لَهُ وَوَهَبْنَا لَهُ يَحْيَىٰ وَأَصْلَحْنَا لَهُ زَوْجَهُ إِنَّهُمْ  
 كَانُوا يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَيَدْعُونَنَا رَغَبًا وَرَهَبًا  
 وَكَانُوا لَنَا خَاشِعِينَ

پس [ندای] او را اجابت کردیم و یحیی را به او بخشیدیم و نازایی همسرش را  
 برای وی اصلاح نمودیم، آنان همواره در کارهای خیر می شتافتند، و ما را از  
 روی امید و بیم می خواندند، و پیوسته در برابر ما فروتن بودند. (۹۰)

وَالَّتِي أَحْصَنْتُ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهَا مِنْ رُوحِنَا وَجَعَلْنَاهَا  
وَابْنَهَا آيَةً لِلْعَالَمِينَ

و آن [زن را یاد کن] که دامن خود را پاک نگه داشت، پس ما از  
روح خود در او دمیدیم و او و پسرش را نشانه ای [بزرگ از قدرت  
خود] برای جهانیان قرار دادیم. (۹۱)

إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ

و بی تردید این [اسلام] آیین [حقیقی] شماست در حالی که آیینی

یگانه است و منم پروردگار شما پس مرا پرستید. (۹۲)

وَتَقَطُّوا أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ ۖ كُلُّ إِلَيْنَا رَاغِبُونَ

ولی [آنان] آیینشان را در میان خود قطعه قطعه کردند [و نسبت به دین گروه  
گروه شدند و به شدت با هم اختلاف پیدا کردند]؛ و همه آنان به سوی ما باز  
خواهند گشت [تا کیفر سخت این گروه گرایشی را ببینند.] (۹۳)

فَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَا كُفْرَانَ لِسَعْيِهِ  
وَإِنَّا لَهُ كَاتِبُونَ

پس کسی که برخی از کارهای شایسته را انجام دهد در حالی که  
مؤمن باشد، نسبت به تلاشش ناسپاسی نخواهد شد، و ما یقیناً  
[تلاشش را] برای او می نویسیم. (۹۴)



وَحَرَامٌ عَلَىٰ قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا أَنَّهُمْ لَا يَرْجِعُونَ

و بر [اهل] شهری که نابودشان کردیم، محال است که [در

قیامت به سوی ما] باز نگردند. (۹۵)

حَتَّىٰ إِذَا فُتِحَتْ يَأْجُوجُ وَمَأْجُوجُ وَهُمْ مِنْ كُلِّ حَدَبٍ  
يَنْسِلُونَ

تا زمانی که [سدّ] یأجوج و مأجوج گشوده شود و آنان از هر  
زمین بلندی سرازیر می شوند. (۹۶)

وَاقْتَرَبَ الْوَعْدُ الْحَقُّ فَإِذَا هِيَ شَاخِصَةٌ أَبْصَارُ الَّذِينَ  
كَفَرُوا يَا وَيْلَنَا قَدْ كُنَّا فِي غَفْلَةٍ مِنْ هَذَا بَلْ كُنَّا ظَالِمِينَ

و آن وعده حق [که قیامت است] نزدیک شود، پس ناگهان چشم  
های کافران خیره شود [و گویند:] وای بر ما! که ما از این روز در  
بی خبری سنگینی قرار داشتیم، بلکه ما ستمکار بودیم. (۹۷)

إِنَّكُمْ وَمَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ حَصَبُ جَهَنَّمَ أَنْتُمْ لَهَا  
وَارِدُونَ

[به آنان گویند:] به یقین شما و معبودانی که به جای خدا می  
پرستیدید، هیزم دوزخید؛ [بی تردید] شما در آن وارد خواهید  
شد. (۹۸)

لَوْ كَانَ هُوَ لِآلِهَةٍ مَّا وَرَدُوها مَطْرًا وَكُلِّ فِيهَا خَالِدُونَ

اگر اینان معبودان [برحق] بودند، وارد دوزخ نمی شدند در حالی  
که همگی [بتان و بت پرستان] در آن جاودانه اند. (۹۹)

لَهُمْ فِيهَا زَفِيرٌ وَهُمْ فِيهَا لَا يَسْمَعُونَ

آنان در دوزخ، نعره های دردناکی دارند و در آنجا [سخنی

امیدوار کننده] نمی شنوند. (۱۰۰)

إِنَّ الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُمْ مِنَّا الْحُسْنَىٰ أُولَٰئِكَ عَنْهَا مُبْعَدُونَ

بی تردید کسانی که پیش تر از سوی ما وعده نیک به آنان  
داده اند، از دوزخ دورشان نگه می دارند. (۱۰۱)

لَا يَسْمَعُونَ حَسِيسَهَا<sup>ط</sup> وَهُمْ فِي مَا اشْتَهَتْ أَنْفُسُهُمْ  
خَالِدُونَ

کمترین صدای آن را [هم] نمی شنوند، و آنان در آنچه [از  
نعمت های الهی] دلشان بخواهد جاودانه اند. (۱۰۲)



لَا يَحْزَنُهُمُ الْفَزَعُ الْأَكْبَرُ وَتَتَلَقَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ هَذَا يَوْمُكُمْ  
الَّذِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ

[در آن روز] آن بزرگ ترین ترس و واهمه آنان را اندوهگین نمی  
کند و فرشتگان [با درود و سلام] به استقبالشان آیند [و گویند]:  
این است روز شما که شما را به آن وعده می دادند. (۱۰۳)

يَوْمَ نَطْوِي السَّمَاءَ كَطَيِّ السَّجِلِّ لِلْكِتَابِ ۚ كَمَا بَدَأْنَا أَوَّلَ  
خَلْقٍ نُّعِيدُهُ ۚ وَوَعْدًا عَلَيْنَا ۚ إِنَّا كُنَّا فَاعِلِينَ

روزی که آسمان را در هم می پیچیم، مانند در هم پیچیدن طومار، همان گونه که نخستین بار آفریده ها را آفریدیم، دوباره آنان را باز می گردانیم. وعده ای است [که تحقق دادنش] بر عهده ما [ست]، به یقین آن را انجام می دهیم. (۱۰۴)

وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا  
عِبَادِي الصَّالِحُونَ

و همانا ما پس از تورات در زبور نوشتیم که زمین را بندگان  
شایسته ما به میراث می برند. (۱۰۵)

إِن فِي هَذَا لَبَلَاغًا لِّقَوْمٍ عَابِدِينَ

بی تردید در این [حقایق] برای [رسانیدن] مردم عبادت پیشه  
[به نهایت مقصود و اوج مطلوب] کفایت است. (۱۰۶)

وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ

و تورا جز رحمتی برای جهانیان نفرستادیم. (۱۰۷)

قُلْ إِنَّمَا يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهُ وَاحِدٌ ۖ فَهَلْ أُنْتُمْ  
مُسْلِمُونَ

بگو: به من فقط وحی می شود که معبود شما خدای یکتاست؛

پس آیا تسلیم [فرمان ها و احکام او] می شوید؟ (۱۰۸)

فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ آذَنْتُكُمْ عَلَىٰ سَوَاءٍ ۖ وَإِنْ أُدْرِيَ أَقْرَبُ أَمْ  
بَعِيدُ مَا تُوعَدُونَ

پس اگر روی برگردانند بگو: من به شما به طور یکسان آگاهی و هشدار دادم، و نمی دانم آنچه شما را [از عذاب] به آن وعده داده اند، آیا نزدیک است یا دور؟ (۱۰۹)

إِنَّهُ يَعْلَمُ الْجَهْرَ مِنَ الْقَوْلِ وَيَعْلَمُ مَا تَكْتُمُونَ

بی تردید او سخن آشکار را و آنچه را پنهان می دارید،

می داند. (۱۱۰)



وَإِنْ أَدْرِي لَعَلَّه فِتْنَةٌ لَكُمْ وَمَتَاعٌ إِلَىٰ حِينٍ

و من نمی دانم شاید این [تأخیر عذاب] آزمایشی برای شما و بهره

مندی اندکی [از نعمت ها] تا مدتی معین است. (۱۱۱)

قَالَ رَبِّ احْكُم بِالْحَقِّ<sup>۱</sup> وَرَبُّنَا الرَّحْمَنُ الْمُسْتَعَانُ عَلَىٰ مَا  
تَصِفُونَ

[پیامبر] گفت: پروردگارا! [میان ما و مشرکان] به حق داوری کن و پروردگار ما  
مهربان است و [مؤمنان] بر خلاف واقعیتی که [شما مشرکان درباره پیروزی  
خود وشکست ما] وصف می کنید، از او یاری می خواهند. (۱۱۲)